

Analysis of the Geneva Convention on the Protection of Women during War from the Perspective of Imami Jurisprudence¹

Hoda Ansariyan^{*}

Seyyed Hasan Abediyan^{**}, Ali Reza Asgari^{***}

(Received: 22/05/2022; Accepted: 15/10/2022)

Abstract

Supporting women's rights in all social dimensions is one of the issues that have been the focus of attention and controversy in human societies and divine religions since the beginning. One of these protections is the general protection of the position and rights of women in the time of war, which has been taken into account by the Geneva Convention (one of the most important pledges of humanitarian rights) and Imami jurisprudence. In Article 76 of the First Additional Protocol of the Geneva Convention, the issue of protecting women is raised, and it can be proven in Imami jurisprudence according to specific evidence, such as the narration of the Prophet (S) containing his direct order to "do not kill women" and verse 190 of Surah *al-Bagharah* about non-transgression and rulings related to *Jihad*. In this article, we try to examine the overall protection of women in war from a jurisprudential point of view and prove the progressive Shiite thought before the formulation of any international protection laws in recent centuries. Therefore, using a descriptive-analytical method, the paper seeks to answer the question of what is the opinion of Imami jurisprudence regarding the articles of the Geneva Convention on the protection of women during the time of war, in order to determine the full compliance of the Convention with Sharia standards in this regard.

Keywords: Support, Women, War, Geneva Convention, Imami Jurisprudence.

1. This article is taken from: Hoda Ansariyan, "Review of the Geneva Convention and Additional Protocols on the Protection of Civilians during War from the Perspective of Imami Jurisprudence", 1980, PhD Thesis, Supervisor: Seyyed Hasan Abediyan, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

* PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran hodaansarian@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Iran, (Corresponding Author), mirhasan4@qom_iau.ac.ir.

*** Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Iran, alirezaasgari5@qom_iau.ac.ir.

بررسی کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ از منظر فقه امامیه^۱

هدی انصاریان*

سید حسن عابدیان**، علی رضا عسگری***

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳]

چکیده

حمایت از حقوق زنان در تمامی ابعاد اجتماعی یکی از موضوعاتی است که محل توجه و مناقشه جوامع بشری و تمامی ادیان الهی از آغاز تاکنون بوده است. یکی از این حمایت‌ها، حمایت کلی از جایگاه و حقوق زنان در زمان جنگ است که کنوانسیون ژنو (یکی از مهم‌ترین تعهدنامه‌های حقوق بشر دوستانه) و فقه امامیه به آن توجه کرده است. در ماده ۷۶ پروتکل اول الحاقی کنوانسیون ژنو موضوع حمایت از زنان مطرح شده و در فقه امامیه با توجه به ادله خاص، همچون روایت پیامبر (ص) حاوی امر مستقیم ایشان که «زنان را نکشید» و آیه ۱۹۰ سوره بقره درباره تعدی نکردن و احکام مرتبط با جهاد، اثبات پذیر است. در این مقاله می‌کوشیم با نگاهی فقهی حمایت کلی از زنان در جنگ را بررسی کرده، اندیشه مترقی شیعی را قبل از تدوین هر گونه قوانین حمایتی بین‌المللی در قرون اخیر اثبات کنیم. بنابراین، هدف ما در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی پاسخ به این پرسش است که دیدگاه فقه امامیه راجع به مواد کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ چیست تا مطابقت کامل کنوانسیون با موازین شرعی در این موضوع مشخص شود.

۱. برگرفته از: هدی انصاریان، بررسی کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های الحاقی در مورد حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ از دیدگاه فقه امامیه، رساله دکتری، استاد راهنما: سید حسن عابدیان، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، ۱۴۰۱.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران hodaansarian@gmail.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران (نویسنده مسئول) mirhasan4@qom_iau.ac.ir

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران alirezaasgari5@qom_iau.ac.ir

کلیدواژه‌ها: حمایت، زنان، جنگ، کنوانسیون ژنو، فقه امامیه.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر امروزی جنگ‌ها و خون‌ریزی‌هایی است که به صورت افسارگسیخته در حال گسترش است. بنابراین، بشر می‌کوشد آلام و دردهای برخاسته از جنگ‌ها را کاهش دهد. برای تحقق این هدف نیاز به تدوین قوانینی است که تا حد ممکن اقدام به جنگ را محدود کرده، در صورت بروز جنگ بتواند از خشونت بیشتر جلوگیری کند. این قوانین و مقررات در عرف بین‌الملل «حقوق بین‌الملل بشردوستانه» نامیده می‌شود. حقوق بشردوستانه مربوط به قواعد بین‌المللی است که می‌کوشد «رنج انسانی ناشی از جنگ را تسکین دهد» (Kalshoven & Zegveld, 2001: 12). این اصطلاحی جامع برای قوانینی است که هدفشان کاهش رنج بشر در مخاصمات مسلحانه است. حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مربوط به بخشی از حقوق بین‌الملل معاهده‌محور و عرف است که هدف آن، حمایت از افراد در زمان جنگ است؛ معاهداتی نظیر کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ درباره حمایت از غیرنظامیان (کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۱: ۴).

دغدغه و دلسوزی در رعایت مقررات حقوق بشردوستانه در میان ملت‌های جهان معاصر هرچند سزاوار تقدیر است، اما نباید چنین پنداشت که حقوق بشردوستانه معاصر صرفاً از ابتکارات و رهیافت‌های جدید تمدن مدرنیته دنیای غرب و حاصل اندیشه انسان‌دوستی جهان غیراسلامی است. چراکه دغدغه و دلسوزی اسلام بیش از چهارده قرن پیش و مصادف با قرن ششم میلادی به منصفه ظهور رسیده است. چه بسا بتوان احتمال داد که تبیین این قوانین و مصوبات در اندیشه‌های آسمانی ریشه دارد؛ در همان عصری که جان، مال، عواطف و امنیت انسان‌های بی‌گناه به تاراج می‌رفت، پیامبر رحمت، فرمان خداوند حکیم را برای صیانت از کرامت و ارزش‌های انسانی به بشر ابلاغ فرمودند: «و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)؛ «ما بنی آدم را گرامی

داشتیم و آنها را در خشکی و دریا سوار کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنها روزی دادیم و بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری‌شان بخشیدیم». از سوی دیگر، خود حضرت اولین قدم را در عمل به فرمان الاهی خویش برداشتند و به لشکریان‌شان گوشزد کردند که:

پس از جنگ مجروحان را نکشید، زنان و کودکان را نکشید، پس از شکست دشمن، فراریان را تعقیب نکنید، لباسی را ندرید، کشته‌ها را مثله نکنید، به اموال دشمن که برخورد کردید، پرده‌دری نکنید، وارد خانه‌ای نشوید، اموال آنها را نگیرید و به زنی آزار نرسانید، اگرچه شما را دشنام دهند و به امیران و صالحان شما سب و لعن کنند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۶۳: ۲۲۸/۶).

این دستورهای مبارک از همان روزی که در مجموعه جهان اسلام صادر شد نه کهنه شده، نه تعدیل یافته، نه نیازمند بازخوانی شده است؛ چراکه درد و رنج بشر امروز نیز همان درد و رنج بشر دیروز در حین جنگ است که التیام‌بخش آن همان نسخه شفابخش خداوند مهربان در قرآن کریم است که در سوره بقره آیه ۱۹۰ فرمود: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ «در راه خداوند با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و تعدی ننمایید. همانا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد».

آنچه در جنگ‌های مختلف در طول قرون متمادی اتفاق افتاده حتی در سال‌های اخیر و راجع به کشورهای متعهد و امضاکننده معاهدات و حقوق‌های بشردوستانه، بیانگر اعمال خشونت‌بار و زیر پا نهادن اصول انسانی و اخلاقی از طرف آنها است، اما در اسلام و سیره نبوی، جهاد با در نظر گرفتن دو شرط که در آیه بیان شده، تشریح شده است: ۱. جهاد با کسی جایز است که با مسلمانان بجنگد؛ ۲. تجاوز از حدود الاهی ممنوع است. دین اسلام از قرن‌ها پیش دستورهایی در این خصوص تدوین کرده است، از جمله آنچه مربوط به حمایت فقه امامیه از زنان در زمان جنگ است و تأکید شرع را

بررسی کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ از منظر فقه امامیه / ۱۰۳

بر حمله نکردن و آسیب نرساندن به غیرنظامیان، یعنی افرادی که در جنگ دخالت فیزیکی و فکری ندارند، به ویژه زنان، نشان می‌دهد.

در این مقاله، با توجه به احکام فقه شیعه، کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل الحاقی را که در حقیقت در حمایت از غیرنظامیان تنظیم شده است، راجع به حمایت از زنان در زمان جنگ بررسی می‌کنیم تا میزان مطابقت کنوانسیون با موازین شرع مشخص شود. لذا در صدد پاسخ‌گویی به این پرسشیم که: دیدگاه فقه امامیه درباره مواد کنوانسیون چهارم و پروتکل‌های الحاقی راجع به حمایت از زنان در زمان جنگ چیست؟

۱. مفاد کنوانسیون ژنو

ماده ۷۶ پروتکل اول

۱. زنان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و به ویژه در برابر هتک ناموس، فحش‌های اجباری و اشکال دیگر حمله غیرمحترمانه، حمایت خواهند شد.

۲. به وضعیت زنان باردار و مادران دارای فرزندان وابسته به خود، که به دلایل مربوط به مخاصمه مسلحانه دستگیر یا بازداشت شده یا تحت نظر قرار گرفته‌اند، با حداکثر اولویت رسیدگی خواهد شد.

۳. طرف‌های مخاصمه تا بالاترین حد ممکن، اهتمام خواهند نمود که از صدور حکم اعدام در مورد زنان باردار یا مادران دارای فرزندان وابسته به آنان، به دلیل جرائم مربوط به مخاصمه مسلحانه، خودداری شود. حکم اعدام برای چنین جرم‌هایی در مورد این قبیل زنان اجرا نخواهد شد (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۳۸۳).

۲. تبیین مفاد کنوانسیون

زنان علاوه بر اینکه از حمایت‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حمایت کلی از افراد غیرنظامی مقرر در حقوق بشردوستانه برخوردارند، از حمایت‌های ویژه دیگری نیز

بهره‌مندند، زیرا زنان در درگیری‌های مسلحانه، طعمه بسیار خوبی برای نظامیان سوءاستفاده‌جو هستند. البته برخی از زنان، به دلیل وضعیت خاصشان، علاوه بر حمایت کلی، از حمایت‌های خاص نیز برخوردارند. در عهدنامه‌های چهارگانه ژنو، پروتکل‌های الحاقی^۱ سازمان ملل متحد، از جمله مجمع عمومی و قطع‌نامه‌ها و گزارش‌های آن، شورای امنیت و قطع‌نامه‌های متعدد آن (چه موردی و چه موضوعی)، نهادهای حقوق بشری، از جمله کنفرانس‌های جهانی حقوق بشر، کمیسیون و شورای حقوق بشر، کمیته حقوق بشر، سازمان‌های منطقه‌ای، از جمله اتحادیه آفریقا و بالآخره، اساس‌نامه‌های دادگاه‌های کیفری، از جمله دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دادگاه بین‌المللی رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون و دیوان کیفری بین‌المللی و آرای آنها به حمایت از زنان در درگیری‌های مسلحانه توجه شده است. بنابراین، کلیه زنان، بدون استثنا، از حمایت‌های کلی زیر برخوردارند:

۱. زنان باید در هر زمان و مکان و در کلیه اشکال درگیری مسلحانه، مصون از هر گونه تعرض بوده، از احترام طرف‌های درگیر برخوردار باشند (ماده ۷۶، پروتکل اول). و نیازهای حمایتی خاص، بهداشتی و کمکی آنان که متأثر از درگیری‌ها شده باشد، محترم شمرده شود.

۲. حمایت در برابر آزار و خشونت جنسی: زنان در برابر هر گونه لطمه به شرافتشان، به‌ویژه در برابر هر گونه خشونت جنسی، اعم از تجاوز جنسی، فحش‌ای اجباری و اشکال دیگر هتک حرمت و تعرض بی‌شرمانه و رفتار تحقیرآمیز تحت حمایت‌اند و اعمال مذکور ممنوعیت مطلق دارد.

به‌علاوه، اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، اعمال یادشده و نیز بردگی جنسی، حاملگی اجباری و عقیم‌کردن اجباری زنان را در زمره جنایات علیه بشر و حتی جنایات جنگی قلمداد کرده است (مواد ۷ و ۸).

۳. دیدگاه فقهی

بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های حمایت از زنان در اسلام (فقه الجهاد) و اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه، نشانگر شیوه‌های متفاوت و ممتاز در حقوق بشردوستانه اسلام است. از جمله اینکه:

- زنان از مصونیت خاصی در مخاصمات برخوردارند، به طوری که حتی حضور مستقیم‌شان در صحنه جنگ موجب سلب مصونیت از آنان نمی‌شود و بر اساس دیدگاه مشهور فقهای امامیه حتی به زنان معاون و مقاتل نیز، تا زمانی که ضرورت نظامی اقتضا نکند، نباید تعرضی شود (ابن‌براج، ۱۴۰۶: ۳۰۳/۱؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۳/۲؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۶/۲؛ حلی، ۱۴۰۸: ۲۸۳/۱ و ...).
- حمایت از زنان مختص به وضعیت و زمان خاصی نیست؛ لذا چه در حالت مخاصمه و چه در حالت تصرف، همچنان حمایت همه‌جانبه از زنان استمرار خواهد داشت.
- اسلام در حمایت از اشخاص، به‌ویژه زنان، برخلاف دیگر عناصر تحت حمایت، منتظر توافق یا اقدام متقابل دشمن نیست، بلکه به دلیل حساسیت و احترام خاص اسلام به کرامت انسانی، از اشخاص بی‌دفاع و ناتوان و کسانی که اهلیت قتال ندارند، مانند زنان، یا کسانی که اهل قتال نیستند، همانند منصرفان از جنگ یا تسلیم‌شوندگان، یک‌جانبه حمایت می‌کند.

بنابراین، با توجه با دلایل و مستندات متعددی که در این باب وجود دارد، لازم است میزان مطابقت مفاد کنوانسیون و فقه و رابطه میان آنها در زمینه حمایت از زنان در زمان جنگ بررسی شود تا به رابطه و میزان مطابقت فقه امامیه و مواد موجود در کنوانسیون و پروتکل‌ها دست یابیم.

۳.۱. اقوال فقها

بنا بر مستندات، دیدگاه مشهور فقهای امامیه این است که زنان حتی در صورت معاون و مقاتل بودن نیز، تا زمانی که ضرورت نظامی اقتضا نکند تحت حمایت خواهند بود. شیخ طوسی، که از نظر تاریخی بر دیگر فقها تقدم دارد، می‌گوید: «ولا يجوز قتال النساء. فإن قاتلن المسلمین و عاون أزواجهن و رجالهن، أمسک عنهن. فإن اضطروا إلی قتلهن، جاز حینئذ قتلهن»؛ «جایز نیست زنانِ مشرکان را بکشید و حتی اگر آنها با مسلمانان بجنگند و همسران و مردانشان را در جنگ یاری کنند، شما از کشتن آنها دست نگه دارید؛ ولی اگر در هیچ صورتی امکان بازداشت‌شان نبود، کشتن‌شان جایز است» (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۲). دیدگاه فقهی وی صریح در حفظ حرمت زنان و کودکان است. نکته اصلی اینجا است که دخالت زنان در جنگ مجوز اعمال خشونت بر ایشان نیست.

از فقهای معاصر نیز دیدگاه نجفی را بیان می‌کنیم که نشان می‌دهد حفظ حرمت زنان در جنگ دیدگاه محل اتفاق فقه شیعه است و این دیدگاه در سیر تاریخی‌اش دچار تغییر نشده است:

کشتن زنان، کودکان، دیوانگان و نیز ناتوانان از جنگ، مانند افراد پیر، نابینا و زمین‌گیر در صورتی که از فکر و نظرشان در جنگ استفاده نشود، حرام است، مگر در حال ضرورت، مانند آنکه کفار از وجودشان به عنوان سپر استفاده کنند یا چیره‌شدن بر دشمن منوط به کشتن آنها باشد (نجفی، ۱۳۶۵: ۶۸/۲۱ و ۷۳-۷۷).

۳.۲. مستندات

الف. آیات

در بیان دلایل قرآنی حمایت از زنان می‌توان به سه دسته از آیات استناد کرد:

۱. آیاتی که اصل پرهیز از تعدی را بیان می‌کند؛ بنا بر نظر مفسران و فقیهان همان‌طور که در حمایت از امور دیگر بیان شد، کشتن زنان از مصادیق سرکشی و اعتداء است که در قرآن به موجب آیه ۱۹۰ سوره بقره منع شده است. ابن‌عباس و مجاهد، از

بررسی کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ از منظر فقه امامیه / ۱۰۷

نخستین مفسران، گفته‌اند: «نهی از اعتداء به منظور منع از کشتن کودکان و زنان وارد شده است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۸/۱). از این آیه استفاده می‌شود که هرگز غیرنظامیان، مخصوصاً زنان، نباید در معرض تهاجم از هر نوع واقع شوند، زیرا آنها به مقاتله برنخاسته‌اند، بنابراین مصونیت دارند. افرادی که سلاح بر زمین بگذارند، و کسانی که توانایی جنگ را از دست داده‌اند، یا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند، همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان نباید در معرض تعدی قرار گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۱۹/۲ - ۲۰؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۳۴۴/۱؛ نک.: شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱۷۷/۱؛ نیز نک.: راوندی کاشانی، ۱۴۲۳: ۳۱۵/۱). همچنین، در آیه ۱۹۴ سوره بقره نیز بر اساس پرهیز از تعدی، از پیکار و ستم رواداشتن بر کسانی که ستمی نکرده‌اند و به میزان بیشتر از مقدار ستم ایجادشده در جنگ نهی می‌کند.

۲. آیاتی که از ظلم در زمین نهی می‌کنند که این ظلم شامل اصل «لاتعتدوا» می‌شود؛ در آیه ۲۲۹ سوره بقره می‌فرماید: «تَلْكَ خُدُودَ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ خُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ «اینها حدود خدا است؛ پس از آنها تجاوز نکنید و کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند، آنان بی‌تردید ستمکارند». در سوره شوری، آیه ۴۲، نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ «ایراد و محکومیت فقط متوجه کسانی است که به مردم ستم روا می‌دارند و به ناحق در زمین سرکشی می‌کنند، اینان‌اند که برای آنان عذابی دردناک خواهد بود».

۳. آیاتی که از افساد در زمین نهی می‌کنند که فساد نیز از مصادیق ظلم و آزار رساندن به زنان و کسانی است که دخالتی در جنگ ندارند. در حقیقت، حمایت‌نکردن از زنان در این امور مصداق فساد خواهد بود. آیاتی که بر پرهیز از فساد دلالت دارند متعددند. به اختصار به چند نمونه اشاره می‌کنیم. در سوره اعراف، آیه ۵۶، می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ

الْمُحْسِنِينَ»؛ «و در زمین پس از اصلاح آن [به وسیله رسالت پیامبران] فساد مکنید، و خدا را از روی بیم و امید بخوانید، که یقیناً رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». همچنین در سوره بقره، آیه ۶۰، می‌فرماید: «وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛ «و [یاد کنید] آنگاه که موسی برای قومش درخواست آب کرد، پس گفتیم: عصایت را به این سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشید، به طوری که هر گروهی [از دوازده گروه بنی‌اسرائیل] چشمه ویژه خود را شناخت. [و گفتیم:] از روزی خدا بخورید و بیاشامید و تبهکارانه در زمین فتنه و آشوب بر پا نکنید». در سوره رعد، آیه ۲۵، نیز می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»؛ «و کسانی که عهد خدا را پس از استوارکردنش می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا به برقراری آن فرمان داده می‌گسلند، و در زمین فساد می‌کنند، لعنت و فرجام بد و دشوار آن سرای برای آنان است».

چگونگی دلالت آیات نهی از فساد و حرمت آن، دلیل خاص بر مدعا نیست، بلکه از ادله عام به شمار می‌آید. زیرا از سویی کشتن زنان حتی در صورت همکاری در امور نظامی دشمن، به وسیله ادله خاص (آیات، روایات) حرام دانسته شده، و از سوی دیگر با توجه به قاعده حسن و قبح عقلی هر کار حرامی مصداق ظلم و فساد است. در نتیجه، کشتن زنان در هنگام جنگ، حرام است و یکی از عناوین فساد در زمین به شمار می‌آید و آیه‌های نهی از فساد به صورت دلیل عام بر مدعا دلالت می‌کند.

ب. روایات

درباره حمایت از زنان در زمان مخاصمات مسلحانه روایات متعددی در منابع امامیه وارد شده، که می‌توان با توجه به مدلول و نکات مختلفی که در آنها بیان شده، به گروه‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد. از جمله گروه روایاتی که به طور مطلق از قتل

بررسی کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ از منظر فقه امامیه / ۱۰۹

غیرمقاتل منع کرده‌اند، روایاتی که به طور مطلق قتل غیرمقاتل را ممنوع شمرده‌اند، با این تفاوت که تصریح به زنان دارند؛ در این امور گفته شده حتی در صورت قتال و نبرد زنان نیز، تا حد ممکن باید از قتلشان پرهیز شود و روایاتی که بیانگر قاعده کلی‌اند، که جهاد در اسلام جنبه دفاعی دارد و مادامی که فرد یا افرادی، خواه مردان و خواه زنان، با شما سر جنگ ندارند، شما حق تعرض و قتال با آنان را نخواهید داشت. حضرت علی (ع) نیز به فرمانده سپاهش می‌فرماید: «جز با کسی که با تو پیکار می‌کند، جنگ مکن» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۲). این روایت از احادیث مشهور حضرت علی (ع) و بی‌نیاز از بررسی سندی است و از نظر دلالتی به عنوان قاعده‌ای فقهی به آن استشهاد شده که بیانگر محدود بودن پیکار به نظامیان است. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «مشرکان را به قتل برسانید و پیران و کودکانشان را زنده نگه دارید» (حر عاملی، ۱۴۰۸: ۶۵/۱۵؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۱: ۹۱). در جای دیگر می‌فرمایند: «پیر فرتوت و از کار افتاده، کودک و زنی را نکشید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷/۵؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۱: ۹۱).

این دو روایت از پیامبر (ص) از نظر سندی صحیح است و عمل فقها و فتوا طبق آن را نیز به عنوان مؤید دارد. همچنین، نسبت به دیگر ادله صراحت بیشتری دارد، به‌خصوص که جنگ‌های پیامبر (ص) دفاعی بود و در هنگام دفاع و دفع هجوم دشمن قوانین حقوقی اسلام آزادی عمل بیشتری برای مدافعان قائل است، اما می‌بینیم که با چنین انگاره‌ای، پیامبر (ص) کشتن زنان را حرام اعلام کرده است. امام صادق (ع) از پیامبر اکرم نقل می‌کند: «با نام خدا و با استعانت از خدا و در راه خدا و بر راه و روش رسول خدا حرکت کنید. از حدود الهی تجاوز نکنید، ... کودک و زنی ... را نکشید» (حر عاملی، ۱۴۰۸: ۵۸/۱۵؛ ح ۱۹۹۸۵؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۳۸/۶؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷/۵).

کشتن زنان در این روایت از مصادیق تجاوز از حدود الهی، و حرام شمرده شده است. همچنین، این حدیث با داشتن چندین نقل شامل کلینی در کافی، شیخ طوسی و حر عاملی در وسائل‌الشیعه، که توضیح‌المسائل حدیثی شیعه بود، از نظر سند صحیح

است. همچنین، پیامبر فرمودند: «زنان و کودکان اگر از پرداخت جزیه امتناع کردند، کشتنشان جایز نیست. و چون قتلشان جایز نیست، بنابراین جزیه دادن از آنها برداشته شده است؛ اما مردان اگر از پرداخت جزیه خودداری کنند، در واقع با این کارشان پیمان را نقض کرده‌اند و در این صورت یا باید از سرزمین مسلمانان بیرون روند، یا برای جنگ آماده شوند» (حر عاملی، ۱۴۰۸: ۶۴/۱۵).

سپاه معاویه بعد از جنگ صفین به شهر انبار حمله کردند و زیورآلات زنی غیرمسلمان را از دست و گردن و گوش‌هایش کنند و با خود بردند. چون خبرش به حضرت علی (ع) رسید، به شدت ناراحت شد و در سخنرانی‌اش فرمود: «اگر مسلمانی از شنیدن این خبر از اندوه بمیرد، نه تنها نباید او را سرزنش کرد، که سزاوار این، مرگ است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷). حضرت علی (ع) سپاهش را نه تنها از آزار جسمانی به زنان نهی کرد، بلکه از دشنام و بدگویی به آنان، حتی برای مقابله به مثل، نیز منع می‌کرد:

و زنها را با اذیت و آزار به هیجان درنیاورید، ولو اینکه آنها آبروی شما را ببرند و امیران شما را لعن و سب کنند. با زنان هیچ کار نداشته باشید، چون زنان، هم از جهت قوای بدنی و هم از جهت عاطفی ضعیف‌اند. ما از طرف پیغمبر مأمور بودیم که از آنان دست برداریم، و آنها را اذیت نکنیم، و حرف زشتی نزنیم، در حالتی که آنها مشرک بودند. بگذارید زنها به شما فحش دهند و حتی اگر به من که علی هستم سب و لعن کنند، به آنها کاری نداشته باشید، بلکه کار خودتان را بکنید (نهج البلاغه، نامه ۱۴).

پیامبر اسلام حتی به احساسات زنان دشمن احترام می‌گذاشت. وقتی محاصره دژ معروف خیبر با پیروزی مسلمانان به پایان رسید، دو زن یهودی به دست بلال به اسارت گرفته شدند و بلال که آن دو را به مرکز فرماندهی می‌برد، ناچار از میدان نبرد عبورشان داد. چون چشم زنان به اجساد بستگان‌شان افتاد، متأثر شدند و یکی از آنها فریادی دردآلود برآورد و شیون سر داد. پیامبر به دلیل این سهل‌انگاری، بلال را سخت نکوهش

بررسی کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ از منظر فقه امامیه / ۱۱۱

کرد و فرمود: «مگر رحم از دلت رخت بر بسته است که این دو زن را از کنار جسد مردانشان عبور می‌دهی؟» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۵/۲۱).

با توجه به این روایات، می‌توان به این قاعده کلی دست یافت که غیرنظامیان مصون از هر گونه تعرض‌اند. البته با توجه به روایت حفص بن غیاث از امام صادق (ع) ذکر این نکته لازم است که بنا بر دیدگاه فقهای امامیه حمایت از زنان به صورت کلی مطرح شده است، حتی در صورت فعالیت نظامی زنان، البته باید در نظر داشت که در حالت اضطرار احکام دچار تغییر می‌شوند:

الكافي عن حفص بن غياث: «سألتُ أبا عبد الله عليه السلام عن مدينة من مدائن أهل الحرب: هل يجوز أن يرسل عليهم الماء، و تُحرق بالنار، أو تُرمى بالمجانيق حتى يُقتلوا، و فيهم النساء والصبيان والشيوخ الكبار والأسارى من المسلمين والتجار؟ فقال: يفعل ذلك بهم، و لا يُمسك عنهم لهؤلاء، و لا دية عليهم للمسلمين و لا كفارة» (كليني، ۱۴۰۷: ۲۸/۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۸: ۶۲/۱۵، جهاد العدو، باب ۱۶، ح ۲؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۲/۶؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۷۸/۱۹)؛ الكافي، به نقل از حفص بن غياث: «از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا جایز است در شهری که مردم آن در جنگ با مسلمانان هستند و داخل آن زن و کودک و پیرمرد و اسرای مسلمان و تجار به سر می‌برند، آب انداخت و آن را به آتش کشید یا آن را به منجنیق بست تا کشته شوند؟ فرمود: این کار با آنان می‌شود و به خاطر وجود چنین افرادی نباید از آنان دست کشید. و مسلمانان در قبال آنها نه دیه‌ای به گردن دارند نه كفاره‌ای».

روایت را در دو بخش سندی و دلالتی تحلیل می‌کنیم:

۱. حفص بن غياث در کتاب‌های رجالی نخستین ثقه دانسته نشده است. همچنین، متأخران از اصحاب رجال، مانند مامقانی، درباره شیعه‌بودنش تردید کرده‌اند. لذا این روایت از نظر سندی ضعیف است (مامقانی، ۱۳۸۶: ۳۰۲/۲۳).

۲. متن روایت تصریح در اعمال خشونت دارد اما با روایات دال بر حرمت قتل زنان و کودکان تعارض دارد که با توجه به قواعد فقهیه، تقدم با روایات متواتر و دارای سند صحیح است. البته می توان روایت حفص بن غیاث را به جواز در صورت اضطرار حمل کرد.

با توجه به تمامی مطالب ذکرشده از دیدگاه های فقهای امامیه، آیات و روایات حمایت از زنان به طور مطلق (مگر به هنگام ضرورت که احکام خاصی بر آن بار می شود) واجب است. بنابراین، وقتی حمایت از جان آنان واجب است رعایت سایر امور مندرج در ماده مذکور از پروتکل، اعم از فحشای اجباری و غیره، به طریق اولی لازم و واجب است.

۴. اصول حمایتی در کنوانسیون و فقه

۴.۱. اصل تفکیک

الف. در کنوانسیون

پروتکل اول ماده ۴۸ و ۵۰ و ۵۲: هر شخصی که متعلق به نیروهای مسلح نباشد، غیرنظامی محسوب می شود.

اموال غیرنظامی هر چیزی است که هدف نظامی نباشد.

به منظور تضمین احترام و حمایت از جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامی، طرف های درگیری متعهدند همواره میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان، همچنین بین اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قائل شده و عملیات خود را تنها علیه اهداف نظامی هدایت کنند.

ب. در فقه امامیه

بر اساس آیه ۱۹۰ سوره بقره، جنگ فقط با افرادی که با مسلمانان می جنگند جایز است. همچنین، فراتر رفتن از افرادی که قصد جنگ دارند برخلاف حکم آیه است. در منابع

بررسی کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ از منظر فقه امامیه / ۱۱۳

فقهی از افراد و گروه‌های متعددی نام برده شده که در جنگ‌های مسلحانه نباید در معرض تعرض و تجاوز قرار گیرند. در اصطلاح به اینها «غیرمقاتل» گفته می‌شود. غیرمقاتلان، کسانی هستند که در جنگ به طور مباشر نقشی ندارند و از نیروی جسمی و فکری‌شان در مخاصمات و هدایت عملیات جنگی استفاده نمی‌شود (حلی، ۱۴۱۲: ۱۰۳/۱۴؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۳۷۷/۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۶۴). بنابراین، بر اساس تعریفی که فقها از غیرمقاتلان مطرح کرده‌اند، و ملاک ذکرشده برای تفکیک آنها از نیروی نظامی، می‌توان اهداف نظامی را از غیرنظامی تشخیص داد. رسیدن به این مقصود، یعنی تفکیک غیرمقاتلین از مقاتلین و همچنین اهداف نظامی از غیرنظامی به منظور آسیب‌نرساندن به آنها الزامی است.

۴.۲. اصل پرهیز از مقابله به مثل

الف. در کنوانسیون

ماده ۳ مشترک، ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم، ماده ۲۰، ۵۱-۵۶ پروتکل اول: اعمال تلافی جویانه، یعنی نقض مقررات در پاسخ به دیگر موارد نقض مقررات، بر علیه مجروحان، بیماران، کشتی‌شکستگان، پرسنل خدمات پزشکی، پرسنل خدمات دفاع غیرنظامی، اسرای جنگی، غیرنظامیان، اموال فرهنگی و غیرنظامی، محیط زیست و کارها و تأسیسات دارای انرژی خطرناک ممنوع است. اعمال تلافی جویانه فقط در اداره عملیات نظامی مجاز است.

ب. در فقه امامیه

در آیه ۱۹۴ سوره بقره خداوند از مؤمنان می‌خواهد در برابر تجاوز دشمن از خود دفاع و واکنش جدی نشان دهند: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ «ماه حرام در برابر ماه حرام است [اگر دشمن حرمت آن را رعایت نکرد و

با شما در آن جنگید، شما هم برای حفظ کیان خود در همان ماه با او بجنگید. [و همه حرمت‌ها دارای قصاص‌اند. پس هر که بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید، و از خدا پروا نمایید، و بدانید که خدا با پروا پیشگان است.]. بر این اساس، اگر جلوی تجاوز دشمن گرفته نشود هیچ حرمتی رعایت نمی‌شود. لذا اصل مقابله به مثل به همین دلیل است که جرئت تجاوز، در ماه‌های حرام نیز از دشمن گرفته شود. از سوی دیگر، این آیه قلمرو اقدامات دفاعی را نیز مشخص کرده است؛ بنابراین، از دستور به رعایت تقوا می‌توان این نکته را استفاده کرد که در مقابله به مثل نیز نباید از جاده تقوا منحرف شد. چون هر نوع اقدام شیطانی دشمن را نمی‌توان مثل آن پاسخ داد. لذا در مقابله به مثل، هدف این نیست که اقدامات دفاعی کاملاً شبیه تجاوز دشمن باشد؛ چون برخی اقدامات، در مغایرت کامل با شئون انسان مؤمن است که نباید مرتکب آن شود. در حقیقت، بر اساس آیه، اعتدا در مقابل اعتدا جایز است و شخصی که به وی تعدی شده می‌تواند مقابله به مثل کند و مانند آن اعتدا را در مقابل متعدی مرتکب شود.

در آیه ۱۲۶ سوره نحل می‌فرماید: «و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین»؛ «و اگر [ستمگر را] مجازات کردید، پس فقط به مانند ستمی که به شما شده مجازات کنید، و اگر شکیبایی ورزید [از مجازات کردن بگذرید] این کار برای شکیبایان بهتر است». تفسیر این آیه، در تفسیر نمونه، چنین است:

تاکنون سخن از این بود که در یک بحث منطقی، عاطفی و یا مناظره معقول با مخالفان شرکت کنیم، اما اگر کار از این فراتر رفت و درگیری حاصل شد و آنها دست به تعدی و تجاوز زدند، در اینجا دستور می‌دهد: «اگر خواستید مجازات کنید فقط به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید» و نه بیشتر از آن. «ولی اگر شکیبایی پیشه کنید (عفو و گذشت) این کار برای شکیبایان بهتر است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۶).

بررسی کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ از منظر فقه امامیه / ۱۱۵

همچنین، در آیه ۴۰ سوره شوری می‌فرماید: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»؛ «پاداش بدی [چون قتل و زخم‌زدن و اتلاف مال] مانند همان بدی است؛ ولی هر که بگذرد و [میان خود و طرف مقابلش را] اصلاح نماید. پاداشش بر عهده خدا است؛ یقیناً خدا ستمکاران را دوست ندارد». از مدلول این آیه نیز می‌توان جواز مقابله به مثل در حدود شرع مقدس و برای اعمالی را که باعث بازدارندگی از جرم و جنایت بیشتر باشد استفاده کرد. نکته مهم در این آیات و ظاهرشان، در اموری به جز تجاوز جنگی و دفاع از افراد غیرنظامی، سفارش به عفو و گذشت است. یعنی تا جای ممکن گذشت را پیش بگیرید مگر در هنگام ضرورت و جایی که پیروزی مسلمانان فقط با مقابله به مثل ممکن است، یا جایی که عوامل بازدارنده مهم است. ولی در همه اینها با توجه به سایر آیات و دلایل که حاکم بر این دلایل‌اند در اقدامات تلافی‌جویانه، به‌خصوص در امور جنگی، غیرنظامیان نباید در معرض تعدی قرار گیرند، مگر اینکه ضرورت ایجاب کند.

۴.۳. اصل پرهیز از حمله به غیرنظامیان

الف. در کنوانسیون

ماده ۴۹، ۵۱ و ۵۲ و ۵۷ پروتکل اول: ممنوعیت حمله به اشخاص و اموال غیرنظامی شامل همه اعمال خشونت‌بار، اعم از اعمال تهاجمی یا تدافعی، است. این ممنوعیت شامل حملات کورکورانه هم می‌شود.

ب. در فقه امامیه

برخی از فقها به طور کلی هر گونه استفاده از سلاح‌های آتش‌زا در جنگ‌ها را ممنوع اعلام می‌کنند. ابن‌ادریس حلی معتقد است: «مقابله با دشمن با سلاح‌های آتش‌زا جایز نیست» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۷/۲). به نظر [علامه] حلی، استفاده از برخی سلاح‌ها در مبارزه با شورشیان جایز نیست و کاربرد آتش و منجنیق به این دلیل که سبب آسیب به

غیرنظامیان و کسانی می‌شود که در جنگ شرکت ندارند (و به طریق اولی شامل اماکن هم می‌شود) ممنوع است (حلی، ۱۴۱۴: ۶۸/۹). همچنین، در نصوص اسلامی، بارها بر احترام به معاهدات و لزوم وفاداری تأکید شده که حاکی از اهمیت خاص و نقش کلیدی آنها در نظام حقوقی اسلام است. همچنان‌که در آیه ۹۱ سوره نحل آمده است: «وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ»؛ «و به پیمان خدا چون پیمان بستید، وفا کنید و سوگند را پس از محکم‌کردنش [به وسیله عزم و قصد قطعی] در حالی که خدا را بر خود ضامن و کفیل قرار داده‌اید، نشکنید؛ یقیناً خدا آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند».

اسلام با الزامی کردن وفاداری به پیمان‌ها (معاهدات) و قراردادهای (عقود) افراد ذی‌ربط به آنها را در برابر خدا مسئول دانسته و آنها را عهدالله نامیده است (لطفی، اخگری و فقیهی، ۱۳۹۱: ۲۲۴). پیامبر اکرم (ص) نیز اهمیت وفاداری به معاهدات را هم‌سنگ ایمان انسان‌ها می‌داند و می‌فرماید: «کسی که به پیمان خویش پای‌بند نیست، از دین و ایمان بهره‌ای ندارد» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۹۸/۶۹؛ راوندی کاشانی، ۱۴۲۳: ۵/۱؛ بحرانی، ۱۳۶۳: ۷۹۹/۲۰). از منظر اسلام، در وفاداری به معاهدات، فرقی بین دوست و دشمن و مسلمان و کافر نیست. لذا حضرت علی (ع) در فرمان معروفش به مالک اشتر می‌نویسد:

و اگر با دشمن پیمانی نهادی و در ذمه خود او را امان دادی به عهد خویش وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا کن، و خود را چون سپری برابر پیمانت بر پا، چه مردم بر هیچ چیز از واجب‌های خدا چون بزرگ‌شمردن وفای به عهد سخت‌هم‌داستان نباشند با همه هواهای گوناگون که دارند، و رأی‌های مخالف یکدیگر که در میان آرند. ... پس در آنچه به عهده گرفته‌ای خیانت مکن و پیمانی را که بسته‌ای مشکن و دشمنت را که (در پیمان تو است) مفرب که جز نادان بدبخت بر خدا دلیری نکند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

نتیجه

بنا بر دلایل و مستندات فقهی مطرح شده درباره حمایت از زنان در زمان جنگ می‌توان گفت با توجه به اقوال فقها و دلایل استفاده شده از آیات و روایات، از نظر فقه شیعه، حمایت به صورت جامع شامل پرهیز از قتل، تعدی و حفظ حرمت زنان در زمان جنگ واجب است، مگر به مقدار ضرورت و اینکه هیچ راهی جز از بین بردن قشر مذکور برای رسیدن به پیروزی و خاتمه جنگ نباشد، که این نکته نیز در کنوانسیون مطرح شده است. پس حفظ حقوق زنان در نگاه فقه شیعه از تقدم تاریخی و جامعیت مفاد برخوردار است و کنوانسیون را می‌توان طرحی رقیق‌سازی شده از آن شمرد.

پی‌نوشت

۱. از مجموع ۴۶۰ ماده کنوانسیون چهارم و پروتکل‌ها، مشخصاً ۴۲ ماده به وضعیت زنان اختصاص دارد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۳). ترجمه: حسین انصاریان، تهران: سازمان دارالقرآن الکریم، نشر تلاوت.
- نهج البلاغه (۱۳۸۸). ترجمه: حسین انصاریان، قم: آیین دانش.
- ابن ابی الحدید (۱۳۶۳). شرح نهج البلاغه، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- ابن ادريس حلي، محمد بن منصور (۱۴۱۰). السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- ابن براج، عبد العزيز بن نحرير (۱۴۰۶). المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۱). الاسير في الاسلام، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- بحرانی، عبدالله (۱۴۰۵/۱۳۶۳). عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الآيات والاحبار والاقوال، تحقيق: سيد محمدباقر موحد ابطحي اصفهانی، قم: مدرسة الإمام المهدي (ع).
- حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۸). وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- حلي، حسن بن يوسف (۱۴۱۲). منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- حلي، حسن بن يوسف (۱۴۱۴). تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت.
- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی (۱۴۲۳). النوادر، قم: دار الكتاب، چاپ اول.
- سيوري (فاضل مقداد)، جمال الدين مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳). كنز العرفان في فقه القرآن، تهران: مرتضوى.
- شريف لاهيجي، محمد بن علي (۱۳۷۳). تفسير شريف لاهيجي، تهران: دفتر نشر داد.
- طبرسي، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذيب الاحكام، تهران: دار الكتب الاسلامية.
- طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط في فقه الامامية، تهران: المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفرية.
- طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، بيروت: دار الكتاب العربي.
- فضل الله، السيد محمد حسين (۱۴۱۹). كتاب الجهاد، بيروت: دار الملاك.
- كاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۲). كشف الغطاء عن مبهمات شريعة الغراء، قم: دفتر تبليغات اسلامي.
- كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب (۱۴۰۷). اصول الكافي، تهران: دار الكتب الاسلامية.
- كميته بين المللي صليب سرخ (۱۳۸۳). قواعد اساسي كنواسيون هاي زنو ۱۹۴۹ و پروتكل هاي الحاقى ۱۹۱۷، ترجمه: هاجر سياه رستمى، تهران: دبیرخانه كميته ملي حقوق بشردوستانه.
- كميته ملي حقوق بشردوستانه (۱۳۸۱). ICRC حقوق بين الملل بشردوستانه: پاسخ به سؤالات شما، ترجمه: هاجر سياه رستمى، تهران: اميركبير.

بررسی کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ از منظر فقه امامیه / ۱۱۹

لطفی، عبدالرضا؛ اخگری، نادر؛ فقیهی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی تحقیقی حقوق بشردوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی، تهران: هستی‌نما.

مامقانی، عبد الله (۱۳۸۶). تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳). بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر؛ و دیگران (۱۳۸۶). برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

Kalshoven, Frits; Zegveld, Liesbeth (2001). *Constraints on the Waging of War: An*

Introduction to International Humanitarian Law,

ICRC International Committee of the Red Cross, 3rd edition.

References

- The Holy Quran*. 2014. Translated by Hoseyn Ansariyan, Tehran: House of the Noble Quran, Telawat Publication.
- Nahj al-Balaghah*. 2009. Translated by Hoseyn Ansariyan, Qom: Religion of Knowledge.
- Ahmadi Miyaneji, Ali. 1990. *Al-Asir fi al-Islam (Captive in Islam)*, Qom: Islamic Publication Institute. [in Arabic]
- Bahrani, Abdollah. 1984. *Awalem al-Olum wa al-Maaref wa al-Ahwal men al-Ayat wa al-Akhbar wa al-Aghwal (The Worlds of Science, Knowledge, and Situations of Verses, Accounts, and Sayings)*, Researched by Seyyed Mohammad Bagher Mowahhed Abtahi Isfahani, Qom: Imam Mahdi School. [in Arabic]
- Fazlollah, Al-Sayyed Mohammad Hosayn. 1998. *Ketab al-Jihad (The Book of Jihad)*, Beirut: Al-Malak House. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1991. *Montaha al-Matlab fi Tahghigh al-Mazhab (Ultimate Speech in the Research of Religion)*, Mashhad: Islamic Research Academy. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1993. *Tazkerah al-Foghaha (Notes for Jurists)*, Qom: Al al-Bayt Institute. [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad Hasan. 1987. *Wasael al-Shiah (The Means of the Shiites)*, Qom: Al al-Bayt Foundation for Heritage Revival. [in Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid. 1984. *Sharh Nahj al-Balaghah (Explanation of Nahj al-Balaghah)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Ibn Barraji, Abd al-Aziz ibn Nahrir. 1985. *Al-Mohazzab (Refined)*, Qom: Islamic Publications Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Farsi]
- Ibn Edris Helli, Mohammad ibn Mansur. 1989. *Al-Saraer al-Hawi le Tahrir al-Fatawi (Secrets of Rules Writing)*, Qom: Islamic Publications Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- International Committee of the Red Cross. 2004. *Ghawaed Asasi Konwansiyon-hay Jenew 1949 wa Porotocol-hay Elhaghi 1977 (The Basic Rules of the Geneva Conventions of 1949 and the Additional Protocols of 1977)*, Translated by Hajar Siyah Rostami, Tehran: Secretariat of the National Humanitarian Rights Committee. [in Farsi]
- Kalshoven, Frits; Zegveld, Liesbeth. 2001. *Constraints on the Waging of War: An Introduction to International Humanitarian Law*, ICRC International Committee of the Red Cross, 3rd Edition.

بررسی کنوانسیون ژنو درباره حمایت از زنان در زمان جنگ از منظر فقه امامیه / ۱۲۱

- Kashef al-Gheta, Jafar. 2001. *Kashf al-Gheta an Mobhamat Shariah al-Gharra (Revealing the Veil of Ambiguities from the Noble Sharia)*, Qom: Islamic Propagation Office. [in Arabic]
- Kolayni, Abu Jafar Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Osul al-Kafi*, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Lotfi, Abd al-Reza; Akhgari, Nader; Faghihi, Mohammad Reza. 2012. *Barresi Tahghighi Hoghugh Bashar Dustaneh dar Manabe Islami wa Asnad Beyn al-Melali (A Research Study of Humanitarian Rights in Islamic Sources and International Documents)*, Tehran: Hastinama. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1984. *Behar al-Anwar (Oceans of Lights)*, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. 1988. *Tafsir Nemuneh (Ideal Commentary)*, Tehran: Islamic Books House
- Makarem Shirazi, Naser; et al. 2007. *Bargozideh Tafsir Nemuneh (Summary of Ideal Commentary)*, Tehran: Islamic Books Institute. [in Farsi]
- Mamaghani, Abdollah. 2007. *Tanghih al-Maghal fi Elm al-Rejal*, Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Najafi, Mohammad Hasan. 1986. *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam (Jewelry Words in the Explanation of the Islamic Law)*, Tehran: Islamic Books Institute. [in Arabic]
- National Committee for Humanitarian Rights. 2002. *Hoghugh Beyn al-Melal Bashedustaneh: Pasokh be Soalat Shoma (International Humanitarian Law: Answers to Your Questions)*, Translated by Hajar Siyah Rostami, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Rawandi Kashani, Fazlollah ibn Ali. 2002. *Al-Nawader (Rare Statements)*, Qom: The Book House, First Edition. [in Arabic]
- Sharif Lahiji, Mohammad ibn Ali. 1994. *Tafsir Sharif Lahiji*, Tehran: Justice Publishing Office. [in Farsi]
- Siyuri (Fazel Meghdad), Jamal al-Din Meghdad ibn Abdollah. 1994. *Kanz al-Erfan fi Feghh al-Quran (The Treasure of Mysticism in the Jurisprudence of the Quran)*, Qom: Mortazawi. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1993. *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Statements on the Interpretation of the Quran)*, Tehran: Naser Khosro. [in Arabic]
- Tusi, Abu Jafar Mohammad ibn Hasan. 1979. *Al-Nehayah fi Mojarrad al-Feghh wa al-Fatawa (The End in the Jurisprudence and Fatwa)*, Beirut: Arabic Book House. [in Arabic]

- Tusi, Abu Jafar Mohammad ibn Hasan. 1986. *Tahzib al-Ahkam (Refinement of Rulings)*, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Tusi, Abu Jafar Mohammad ibn Hasan. 2008. *Al-Mabsut fi Feghh al-Emamiyah (Detailed Explanation of Imami Jurisprudence)*, Tehran: Mortazavi Publication for the Revival of al-Jafari Works. [in Arabic]